

سوره دهر (انسان) [76]

این سوره در «مدینه» نازل شده و 31 آیه دارد

محتوای سوره:

این سوره از يك نظر به پنج بخش تقسیم می‌شود:

در بخش اول از آفرینش انسان و خلقت او از نطفه «امشاج» (مختلط) و سپس هدایت و آزادی اراده او سخن می‌گوید.

در بخش دوم سخن از پاداش ابرار و نیکان است که شأن نزول خاصی در مورد اهل بیت علیهم السّلام دارد که به آن اشاره خواهد شد.

در بخش سوم: دلایل استحقاق این پاداشها را در جمله‌هایی کوتاه و مؤثر بازگو می‌کند.

در بخش چهارم به اهمیت قرآن، و طریق اجرای احکام آن، و راه پرفراز و نشیب خودسازی اشاره شده.

و در بخش پنجم سخن از حاکمیت مشیت الهی (در عین مختار بودن انسان) به میان آمده است.

برای این سوره نامهای متعددی است که مشهورترین آنها سوره «انسان» و سوره «دهر» و سوره «هل اتی» است که هر کدام از آنها از یکی از کلمات اوائل سوره گرفته شده، هر چند در روایاتی که بعداً در فضیلت سوره می‌خوانیم تنها از «هل اتی» یاد شده است.

فضیلت تلاوت سوره:

در حدیثی از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است: «کسی که

برگزیده تفسیر نمونه، ج5، ص: 352

سوره هل اتی را بخواند پاداش او بر خداوند بهشت و لباسهای بهشتی است».

و در حدیثی از امام باقر علیه السّلام آمده که «یکی از پاداشهای کسی که سوره هل اتی را در هر صبح پنجشنبه بخواند این است که در قیامت با پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله خواهد بود».

بسم الله الرحمن الرحيم به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

(آیه 1)- با این که بیشترین بحثهای این سوره پیرامون قیامت و نعمتهای بهشتی است، ولی در آغاز آن سخن از آفرینش انسان است چرا که توجه به این آفرینش زمینه ساز توجه به قیامت و رستاخیز است، می‌فرماید: «آیا (چنین نیست که) زمانی طولانی بر انسان گذشت که چیز قابل ذکرى نبود!» (هل اتی علی الانسان حین من الدهر لم یکن شیئاً مذکوراً).

منظور از «انسان» در اینجا نوع انسان است، و عموم افراد بشر را شامل می‌شود.

(آیه 2)- بعد از این مرحله، نوبت آفرینش انسان، و موجود قابل ذکر شدن است. می‌فرماید: «ما انسان را از نطفه مختلطی آفریدیم، و او را می‌آزمائیم، (بدین جهت) او را شنوا و بینا قرار دادیم» (انا خلقنا الانسان من نطفة امشاج نبتليه فجعلناه سميعا بصيرا).

آفرینش انسان از «نطفه مخلوط» ممکن است اشاره به اختلاط نطفه مرد و زن و ترکیب «اسپرم» و «اوول» بوده باشد همان گونه که در روایات اهل بیت علیهم السلام اجمالا به آن اشاره شده است.

یا اشاره به استعدادهای مختلفی که در درون نطفه از نظر عامل وراثت از طریق ژنها و مانند آن وجود دارد، و یا اشاره به اختلاط مواد مختلف ترکیبی نطفه است، چرا که از دهها ماده مختلف تشکیل یافته، و با اختلاط همه اینها با یکدیگر.

معنی اخیر از همه جامعتر و مناسبتر است.

جمله «نبتلیه» اشاره به رسیدن انسان به مقام «تکلیف و تعهد و مسئولیت و آزمایش و امتحان» است و از آنجا که «آزمایش و تکلیف» بدون «آگاهی» ممکن
برگزیده تفسیر نمونه، ج 5، ص: 353

نیست، در آخر آیه اشاره به ابزار شناخت و چشم و گوش می‌کند که در اختیار انسانها قرار داده است.

(آیه 3)- و از آنجا که تکلیف و آزمایش انسان علاوه بر مسأله آگاهی و ابزار شناخت نیاز به دو عامل دیگر یعنی «هدایت» و «اختیار» دارد- این آیه به آن اشاره کرده، می‌فرماید: «ما راه را به او نشان دادیم، خواه شاکر باشد (و پذیرا گردد) یا ناسپاس» (انا هدیناه السبيل اما شاکرا و اما کفورا).

«هدایت» در اینجا معنی وسیع و گسترده‌ای دارد که هم هدایت «تکوینی» را شامل می‌شود و هم هدایت «فطری» و هم «تشریعی» را هر چند سوق آیه بیشتر روی هدایت تشریعی است.

(آیه 4)- در این آیه، اشاره کوتاه و پرمعنائی به سرنوشت کسانی که راه کفر و کفران را می‌پویند کرده، می‌فرماید: «ما برای کافران زنجیرها و غلها و شعله‌های سوزان آتش آماده کرده‌ایم» (انا اعتدنا للکافرين سلاسل و اغلالا و سعيرا).

ذکر غل و زنجیر، و سپس شعله‌های سوزان آتش بیانگر مجازات عظیم این گروه است که در آیات دیگر قرآن نیز به آن اشاره شده، و عذاب و اسارت در آن جمع است.

(آیه 5)-

شان نزول:

سندی بزرگ بر فضیلت اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله ابن عباس می‌گوید: «حسن و حسین علیهما السلام بیمار شدند، پیامبر صلی الله علیه و آله با جمعی از یاران به عیادتشان آمدند، و به علی علیه السلام گفتند: ای ابو الحسن! خوب بود نذری برای شفای فرزندان خود می‌کردی.

علی علیه السّلام و فاطمه علیها السّلام و فضه که خادمه آنها بود نذر کردند که اگر آنها شفا یابند سه روز روزه بگیرند.

چیزی نگذشت که هر دو شفا یافتند، در حالی که از نظر مواد غذایی دست خالی بودند علی علیه السّلام سه من جو قرض نمود، و فاطمه علیها السّلام يك سوم آن را آرد کرد، و نان پخت، هنگام افطار سائلی بر در خانه آمد و گفت: «السّلام علیکم اهل بیت محمّدصلّی الله علیه و آله سلام بر شما ای خاندان محمد! مستمندی از مستمندان مسلمین هستم، غذایی به من بدهید».

برگزیده تفسیر نمونه، ج 5، ص: 354

آنها همگی مسکین را بر خود مقدم داشتند، و سهم خود را به او دادند و آن شب جز آب ننوشیدند.

روز دوم را همچنان روزه گرفتند و موقع افطار وقتی که غذایی را آماده کرده بودند (همان نان جوین) یتیمی بر در خانه آمد آن روز نیز ایثار کردند و غذای خود را به او دادند (بار دیگر با آب افطار کردند و روز بعد را نیز روزه گرفتند).

در سومین روز اسیری به هنگام غروب آفتاب بر در خانه آمد باز سهم غذای خود را به او دادند هنگامی که صبح شد علی علیه السّلام دست حسن و حسین علیهما السّلام را گرفته بود و خدمت پیامبرصلّی الله علیه و آله آمدند هنگامی که پیامبرصلّی الله علیه و آله آنها را مشاهده کرد دید از شدت گرسنگی می‌لرزند! فرمود: این حالی را که در شما می‌بینم برای من بسیار گران است، سپس برخاست و با آنها حرکت کرد هنگامی که وارد خانه فاطمه علیها السّلام شد دید در محراب عبادت ایستاده، در حالی که از شدت گرسنگی شکم او به پشت چسبیده، و چشماهش به گودی نشسته، پیامبرصلّی الله علیه و آله ناراحت شد در همین هنگام جبرئیل نازل گشت و گفت ای محمّد! این سوره را بگیر، خداوند با چنین خاندانی به تو تهنیت می‌گوید، سپس سوره «هل اتی» را بر او خواند».

بعضی گفته‌اند که از آیه «ان الابرار» تا آیه «کان سعیکم مشکورا» که مجموعاً هیجده آیه است در این موقع نازل گشت.

آنچه را در بالا آوردیم نص حدیثی است که با کمی اختصار در «الغدير» آمده است، و در همان کتاب از 34 نفر از علمای معروف اهل سنت نام می‌برد که این حدیث را در کتابهای خود آورده‌اند.

به این ترتیب روایت فوق از روایاتی است که در میان اهل سنت مشهور بلکه متواتر است.

و اما علمای شیعه همه اتفاق نظر دارند که این هیجده آیه با مجموع این سوره، در ماجرای فوق نازل شده است و همگی بدون استثناء در کتب تفسیر یا حدیث روایت مربوط به آن را به عنوان یکی از افتخارات و فضائل مهم علی علیه السّلام و فاطمه زهرا و فرزندانسان علیهم السّلام آورده‌اند.

برگزیده تفسیر نمونه، ج 5، ص: 355

تفسیر:

پاداش عظیم ابرار! در آیات گذشته بعد از آن که انسانها را به دو گروه «شاکر» و «کفور» یا شکرگزار و کفران کننده تقسیم کرد، اشاره کوتاهی به مجازات و کیفر سخت کفران کنندگان آمده بود، در اینجا به سراغ پادشاهای شکرگزاران و ابرار (نیکان و پاکان) می‌رود، و نکات جالبی در این زمینه یادآوری می‌کند، نخست می‌فرماید: «به یقین ابرار (و نیکان) از جامی می‌نوشند که با عطر خوشی آمیخته است» (ان الابرار یشربون من کأس کان مزاجها کافورا).

آیه فوق نشان می‌دهد که این شراب طهور بهشتی بسیار معطر و خوشبو است که هم ذائقه از آن لذت می‌برد، و هم شامه.

(آیه 6) - سپس به سر چشمه‌ای که این جام شراب طهور از آن پر می‌شود اشاره کرده، می‌افزاید: «از چشمه‌ای که بندگان خاص خدا از آن می‌نوشند، و از هر جا بخواهند آن را جاری می‌سازند!» (عینا یشرب بها عباد الله یفجرونها تفجیراً).

آری! این چشمه شراب طهور چنان در اختیار ابرار و عباد الله است که هر جا اراده کنند از همانجا سر بر می‌آورد، و جالب این که در حدیثی از امام باقر علیه السلام نقل شده که در توصیف آن فرمود: «این چشمه‌ای است در خانه پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله که از آنجا به خانه سایر پیامبران و مؤمنان جاری می‌شود».

آری! همان گونه که در دنیا چشمه‌های علم و رحمت از خانه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به سوی بندگان خدا و نیکان سرازیر می‌شود، در آخرت که تجسم بزرگی از این برنامه است چشمه شراب طهور الهی از همین بیت وحی می‌جوشد، و شاخه‌های آن به خانه‌های مؤمنان سرازیر می‌گردد! و با نوشیدن از این شراب هرگونه اندوه و ناراحتی و ناخالصی را از درون جان خود می‌شویند.

(آیه 7) - در آیات بعد به ذکر اعمال و اوصافی که «ابرار» و «عباد الله» دارند، پرداخته، با ذکر پنج وصف دلیل استحقاق آنها را نسبت به این همه نعمتهای بی‌مانند توضیح داده، می‌فرماید: «آنها به نذر خود وفا می‌کنند» (یوفون بالنذر).

«و از روزی که شر و عذابش گسترده است بیمناکند» (و یخافون یوما کان شره مستطیراً).
برگزیده تفسیر
نمونه، ج 5، ص: 356

ترس آنها از شرّ آن روز بزرگ اشاره به ایمانشان به مسأله معاد، و احساس مسؤولیت شدید در برابر فرمان الهی است.

(آیه 8) - سپس به ذکر سومین عمل شایسته آنها پرداخته، می‌گوید:

«و غذای (خود) را با این که به آن علاقه (و نیاز) دارند به مسکین و یتیم و اسیر می‌دهند» (و یطعمون الطعام علی حبه مسکیناً و یتیمًا و اسیراً).

اطعام کردن آنها ساده نیست، بلکه توأم با ایثار در هنگام نیاز شدید است، و از سوی دیگر اطعامی است گسترده که انواع نیازمندان را از «مسکین» و «یتیم» و «اسیر» شامل می‌شود، و به این ترتیب رحمتشان عام و خدمتشان گسترده است.

ضمناً از آیه فوق به خوبی استفاده می‌شود که یکی از بهترین اعمال، اطعام محرومین و نیازمندان است، نه تنها نیازمندان مسلمان که اسیران بلاد شرک نیز تحت پوشش این دستور اسلامی قرار گرفته، تا آنجا که اطعام آنها یکی از کارهای برجسته «ابرار» شمرده شده است.

(آیه 9) - این آیه چهارمین عمل برجسته ابرار را اخلاص می‌شمرد، و می‌فرماید: آنها می‌گویند: «ما شما را تنها به خاطر خدا اطعام می‌کنیم، و هیچ پاداش و سپاسی از شما نمی‌خواهیم» (انما نطعمکم لوجه الله لا نرید منکم جزاء و لا شکوراً).

این برنامه منحصر به مسأله اطعام نیست که تمام اعمالشان مخلصانه و برای ذات پاک خداوند است و هیچ چشمداشتی به پاداش مردم و حتی تقدیر و تشکر آنها نیست و اصولاً در اسلام ارزش عمل به خلوص نیت است، و گر نه اعمالی که انگیزه‌های غیر الهی داشته باشد، هیچ گونه ارزش معنوی و الهی ندارد.

(آیه 10)- و در آخرین توصیف «ابرار» می‌فرماید: آنها می‌گویند: «ما از پروردگارمان خائفیم از آن روز که عبوس و سخت است» (انا نخاف من ربنا یوما عبوسا قمطریرا).

تعبیر از روز قیامت به روز «عبوس» (سخت) با این که عبوس از صفات انسان است و به کسی می‌گویند که قیافه‌اش را در هم کشیده، به خاطر تأکید بر وضع وحشتناک آن روز است، یعنی آنقدر حوادث آن روز سخت و ناراحت کننده است برگزیده تفسیر نمونه، ج 5، ص: 357

که نه تنها انسانها در آن روز عبوسند بلکه گوئی خود آن روز نیز عبوس است.

(آیه 11)- در این آیه، به نتیجه اجمالی اعمال نیک و نیات پاکی که «ابرار» دارند اشاره کرده، می‌فرماید: به خاطر این عقیده و عمل «خداوند آنان را از شرّ آن روز نکه می‌دارد و آنها را می‌پذیرد در حالی که غرق شادی و سرورند» (فوقاهم الله شر ذلك الیوم و لقاها نضرة و سرورا).

بنابر این، اگر در دنیا به خاطر احساس مسئولیت از آن روز بیمناک بودند، خداوند در عوض آنها را در آن روز غرق شادمانی و سرور می‌کند.

(آیه 12)- پاداشهای عظیم بهشتی! بعد از اشاره اجمالی در آیات گذشته به نجات «ابرار و نیکان» از عذابهای دردناک روز قیامت، و رسیدن آنها به لقای محبوب، در اینجا به شرح این نعمتهای بهشتی پرداخته، حد اقل پانزده نعمت را در طی این آیات بر می‌شمرد:

نخست از مسکن و لباس این بهشتیان سخن می‌گوید، می‌فرماید: خداوند «در برابر صبرشان بهشت و لباسهای حریر بهشتی را به آنها پاداش می‌دهد» (و جزاهم بما صبروا جنة و حریرا).

نه تنها در این آیه، که در آیات دیگر قرآن نیز به این حقیقت تصریح شده که پاداشهای قیامت در مقابل صبر و شکیبائی انسان است- صبر در طریق اطاعت، صبر در برابر معصیت، و صبر و استقامت در برابر مشکلات و مصائب.

در آیه 24 سوره رعد می‌خوانیم، فرشتگان به بهشتیان چنین خوشامد می‌گویند:

سلام علیکم بما صبرتم درود بر شما به خاطر صبر و استقامتی که داشتید».

(آیه 13)- سپس می‌افزاید: «این در حالی است که در بهشت بر تختهای زیبا تکیه کرده‌اند نه آفتاب را در آنجا می‌بینند، و نه سرما را» (متکئین فیها علی الارائنک لا یرون فیها شمسا و لا زمهریرا).

نه این که خورشید و ماه در آنجا وجود نداشته باشد، بلکه تابش ناراحت کننده خورشید وجود ندارد، با وجود سایه‌های درختان بهشتی.

«آلوسی» مفسر معروف اهل سنت در «روح المعانی» در حدیثی از ابن عباس
ص: 358

چنین نقل می‌کند: «هنگامی که بهشتیان در بهشت هستند ناگهان نوری همچون نور آفتاب مشاهده می‌کنند که صحنه بهشت را روشن ساخته، بهشتیان به رضوان (فرشته مأمور بهشت) می‌گویند: این نور چیست با این که پروردگار ما فرموده: «در بهشت نه آفتاب را می‌بینند و نه سرما را»؟

او در پاسخ می‌گوید: «این نور خورشید و ماه نیست، ولی علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام خندان شده‌اند و بهشت از نور دندان‌شان روشن گشته است»!

(آیه 14)- در ادامه این نعمتها می‌افزاید: «و در حالی است که سایه‌های درختان بهشتی بر آنها فرو افتاده، و چیدن میوه‌هایش بسیار آسان است» (و دانیة علیهم ظلالها و ذلت قطوفها تذلیلا).

نه مشکلی وجود دارد، نه خاری در دست می‌رود، و نه احتیاج به تلاش و حرکتی برای چیدن میوه‌هاست!

(آیه 15)- در این آیه به توضیح قسمتی از چگونگی پذیرائی از این میهمانان بهشتی خدا و وسائل پذیرائی آنها، و پذیرائی کنندگان پرداخته، می‌فرماید: «و در گرداگرد آنها ظرف‌های سیمین و قدح‌های بلورین می‌گردانند» بر از بهترین غذاها و نوشیدنیها (و یطاف علیهم بأنیة من فضة و اکواب کانت قواریرا).

(آیه 16)- «ظرف‌های بلورینی از نقره! که آنها را به اندازه مناسب آماده کرده‌اند» (قواریرا من فضة قدروها تقدیرا).

در این ظرف‌ها انواع غذاهای بهشتی، و در آن قدح‌های بلورین انواع نوشیدنیهای لذت بخش و نشاط آفرین، به مقداری که می‌خواهند و علاقه دارند موجود است، و خدمتکاران بهشتی پیوسته گرد آنها دور می‌زنند و به آنها عرضه می‌کنند.

(آیه 17)- سپس می‌افزاید: «و در آنجا از جام‌های سیراب می‌شوند که لبریز از شراب طهوری آمیخته با زنجبیل است» (و یسقون فیها کأسا کان مزاجها زنجبیل).

بسیاری از مفسران تصریح کرده‌اند که عرب جاهلی از شراب‌هایی که آمیخته با زنجبیل بود لذت می‌برد زیرا که تندی مخصوصی به شراب می‌داد، و قرآن در اینجا از جام‌های سخن می‌گوید که شراب طهورش با زنجبیل آمیخته است، ولی بدیهی برگزیده تفسیر نمونه، ج 5، ص: 359

است میان این شراب و آن شراب تفاوت از دنیا تا آخرت است!

(آیه 18)- سپس می‌افزاید: این جامها «از چشمه‌ای در بهشت که نامش سلسبیل است» پر می‌شود (عینا فیها تسمى سلسبیل).

«سلسبیل» نوشیدنی بسیار لذیذی را می‌گویند که به راحتی در دهان و گلو جاری می‌شود و کاملاً گواراست.

(آیه 19)- سپس از پذیرائی کنندگان این بزم پر سرور که در جوار رحمت حق در بهشت برین برپا می‌شود سخن به میان آورده، می‌گوید: «و برگردشان (برای پذیرائی) نوجوانانی جاودانی می‌گردند که هر گاه آنها را ببینی گمان می‌کنی مروارید پراکنده‌اند!» (و یطوف علیهم ولدان مخلدون اذا رأیتهم حسبتهم لؤلؤا منثورا).

هم خودشان در بهشت جاودانی هستند، و هم طراوت و زیبایی و نشاط جوانی آنها جاودانی است، و هم پذیرائی کردن آنان.

تعبیر به «لؤلؤا منثورا» (مرواریدهای پراکنده) اشاره‌ای است به زیبایی و صفا و درخشندگی و جذابیت آنها، و هم حضورشان در همه جای این بزم الهی و روحانی.

(آیه 20)- و از آنجا که نعمتهای جهان دیگر به وصف نمی‌آید- هر قدر الفاظ گویا و رسا باشد- در این آیه به صورت سر بسته می‌افزاید: «و هنگامی که آنجا را ببینی نعمتها و ملک عظیمی را می‌بینی!» (و اذا رأیت ثم رأیت نعیما و ملکا کبیرا).

(آیه 21)- تا اینجا به قسمتی از نعمتهای بهشتی از قبیل «مساکن» و «تختها» و «سایه‌ها» و «میوه‌ها» و «نوشیدنیها» و «ظرفها» و «گروه پذیرائی کنندگان» اشاره شد، اکنون نوبت وسائل تزیینی بهشتیان است.

می‌فرماید: «بر اندام آنها لباسهایی است از حریر نازک سبز رنگ، و از دیبای ضخیم» (عالیهم ثیاب سندس خضر و استبرق).

سپس می‌افزاید: «و با دستبندهایی از نقره آراسته‌اند» (و حلوا اساور من فضة).

نقره‌هایی شفاف که همچون بلور می‌درخشد، و از یاقوت و درّ و مروارید زیباتر است.

و سر انجام در پایان آیه به عنوان آخرین و مهمترین نعمت از این سلسله برگزیده تفسیر نمونه، ج 5، ص:

360

نعمتها می‌فرماید: «و پروردگارشان شراب طهور به آنان می‌نوشاند» (و سقاھم ربهم شرابا طهورا).

در حدیثی از امام صادق علیه السلام نقل شده است که: این شراب «قلب و جان آنها را از همه چیز جز خداوند پاک می‌کند».

و از حدیثی که از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده استفاده می‌شود که چشمه شراب طهور بر در بهشت قرار دارد: «جرعه‌ای از این شراب طهور به آنها داده می‌شود و خدا به وسیله آن قلوب آنها را از حسد (و هرگونه صفات رذیله) پاک می‌سازد».

(آیه 22)- و در این آیه، آخرین سخن را در این زمینه بیان کرده، می‌فرماید:

از سوی خدا به آنها گفته می‌شود: «این پاداش شماست، و سعی و تلاش شما (در طریق اطاعت فرمان حق) مورد قدرانی است» (ان هذا کان لکم جزاء و کان سعیکم مشکورا).

مبادا کسی تصور کند که این مواهب و پاداشهای عظیم را بی‌حساب می‌دهند، اینها همه جزای سعی و عمل و پاداش مجاهدتها و خودسازیها و چشم پوشی از گناه است.

(آیه 23)- پنج دستور مهم برای موفقیت در اجرای حکم خدا آیات این سوره از آغاز تا کنون در باره خلقت انسان و سپس معاد و رستخیز او سخن می‌گفت، در اینجا روی سخن را به پیامبر صلی الله علیه و آله کرده، دستورات مؤکدی برای هدایت انسانها و صبر و مقاومت در این راه به او می‌دهد، در واقع این آیات راه وصول به آن همه نعمتهای بی‌مانند را نشان داده است که تنها از طریق تمسک به قرآن و پیروی از رهبری چون پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و الهام گرفتن از دستورات او امکان پذیر است. نخست می‌فرماید: «مسلم ما قرآن را بر تو نازل کردیم» (انا نحن نزلنا عليك القرآن تنزيلا).

(آیه 24)- سپس پنج دستور مهم به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌دهد که نخستین آن دعوت به صبر و استقامت است، می‌فرماید: «سپس در (تبلیغ و اجرای) حکم پروردگارت شکیبا (و با استقامت) باش» (فاصبر لحکم ربك). برگزیده تفسیر نمونه، ج 5، ص: 361

از مشکلات و موانع راه و کثرت دشمنان و سرسختی آنها ترس و هراسی به خود راه مده، و همچنان به پیش حرکت کن. و در دومین دستور، پیامبر صلی الله علیه و آله را از هرگونه سازش با منحرفان بر حذر داشته، می‌گوید: «و از هیچ گنهکار یا کافری از آنان اطاعت مکن» (و لا تطع منهم آثما او كفورا).

در حقیقت این حکم دوم تأکیدی است بر حکم اول چرا که جمعیت دشمنان تلاش می‌کردند که از طرق مختلف پیامبر صلی الله علیه و آله را در مسیر باطل به سازش بکشانند، چنانکه نقل شده که «عتبه بن ربیع» و «ولید بن مغیره» به پیامبر صلی الله علیه و آله می‌گفتند: از دعوت خود بازگرد، ما آنقدر ثروت در اختیار تو می‌گذاریم که راضی شوی، و زیباترین دختران عرب را به همسری تو در می‌آوریم، و پیشنهادهای دیگری از این قبیل، و پیامبر صلی الله علیه و آله به عنوان يك رهبر بزرگ راستین باید در برابر این وسوسه‌های شیطانی، یا تهدیداتی که بعد از بی‌اثر ماندن این تطمیعات عنوان می‌شود، صبر و استقامت به خرج دهد، نه تسلیم تطمیع گردد، و نه تهدید.

(آیه 25)- ولی از آنجا که صبر و استقامت در برابر هجوم این مشکلات عظیم کار آسانی نیست و پیمودن این راه دو توشه خاصی لازم دارد، در این آیه می‌افزاید:

«و نام پروردگارت را هر صبح و شام به یادآور» (و اذکر اسم ربك بكرة و اصیلا).

(آیه 26)- «و در شبانگاه برای او سجده کن، و مقدار طولانی از شب او را تسبیح گوی» (و من اللیل فاسجد له و سبحه لیلا طویلا).

تا در سایه آن «ذکر» و این «سجده» و «تسبیح» نیروی لازم و قدرت معنوی و پشتوانه کافی برای مبارزه با مشکلات این راه فراهم سازی.

دو آیه فوق در حقیقت بیانگر لزوم توجه شبانه روزی و مستمر به ذات مقدس پروردگار است.

در اینجا باید به این نکته توجه داشت که دستورهای پنجگانه آیات فوق گرچه به صورت برنامه‌ای برای پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله ذکر شده، ولی در حقیقت سرمشقی است برای همه کسانی که در مسیر رهبری معنوی و انسانی جامعه بشری گام بر می‌دارند. برگزیده تفسیر نمونه، ج 5، ص: 362

آنها باید بدانند بعد از اطمینان و ایمان کامل به هدف و رسالتی که دارند لازم است صبر و استقامت پیشه کنند، و از انبوه مشکلات راه، وحشت نداشته باشند.

و در مرحله بعد باید در برابر وسوسه‌های شیاطینی که مصداق آثم و کفورند، و با انواع حیل و تزویر سعی در منحرف ساختن رهبران و پیشوایان می‌کنند، تا رسالت آنها عقیم ماند، با کمال قدرت مقاومت کنند، نه فریب تطمیع را بخورند و نه واهمه‌ای از تهدید به خود راه دهند.

و در تمام مراحل برای کسب قدرت روحی، و نیروی اراده، عزم راسخه، و تصمیم آهنین، هر صبح و شام به یاد خدا باشند، و پیشانی را بر درگاهش بسایند، مخصوصاً از عبادت‌های شبانه و راز و نیاز با او مدد گیرند که اگر این امور رعایت شود پیروزی حتمی است، و اگر در پاره‌ای از مراحل مصیبت و شکستی رخ دهد در پرتو این اصول می‌توان آنها را جبران کرد، برنامه زندگی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و دعوت و رسالت او سرمشق مؤثری برای رهروان این راه است.

(آیه 27)- این يك هشدار است، و انتخاب راه با شماس! در آیات گذشته به پیامبر صلی الله علیه و آله هشدار داده شده که تحت تأثیر افراد «آثم» و «کفور» (مجرم و کافر) هرگز واقع نشود.

در اینجا معرفی بیشتری از آنها کرده، می‌گوید: «آنها زندگی زود گذر دنیا را دوست دارند، در حالی که روز سختی را در پشت سر خود رها می‌کنند» و نادیده می‌گیرند! (ان هؤلاء يحبون العاجلة و یذرون وراءهم یوما ثقیلاً).

سنگین از نظر محاسبه، از نظر طول زمان و فضا و رسوایی.

افق افکار آنها از خور و خواب و شهوت فراتر نمی‌رود، و آخرین نقطه دید آنها همین لذاند بی‌قید و شرط مادی است، و عجیب این که می‌خواهند روح بزرگ پیامبر صلی الله علیه و آله را نیز با همین مقیاس بسنجند.

(آیه 28)- در این آیه به آنها هشدار می‌دهد که از نیرو و قدرت خود مغرور نشوند که اینها را همه خدا داده، و هر زمان بخواهد بسرعت بازپس می‌گیرد.

می‌فرماید: «ما آنها را آفریدیم، و پیوندهای وجودشان را محکم کردیم (به برگزیده تفسیر نمونه، ج 5، ص:

363

آنها قوت و قدرت بخشیدیم) و هر زمان بخواهیم جای آنها را به گروه دیگری می‌دهیم» (نحن خلقناهم و شددنا اسرهم و اذا شئنا بدلنا امثالهم تبديلاً).

به راستی قرآن در اینجا انگشت روی نقطه حساسی گذارده، و آن پیوندهای مختلف اجزای وجود بشر است از عصبهای کوچک و بزرگ که همچون طنابهای آهنین عضلات را به یکدیگر مربوط می‌سازد گرفته، تا رباطها و عضلات مختلف، آن چنان قطعات کوچک و بزرگ استخوان و گوشت‌های اندام انسان را به یکدیگر محکم بسته که از مجموع آنها يك واحد کاملاً منسجم- که آماده انجام هرگونه فعالیت است- ساخته، اما روی هم رفته این جمله کنایه از قدرت و قوت است.

این آیه در ضمن غنا و بی‌نیازی ذات پاك خدا را، از آنها، و از اطاعت و ایمانشان، روشن می‌سازد، تا بدانند اگر اصراری برای ایمان آنهاست، در حقیقت لطف و رحمتی است از ناحیه پروردگار.

(آیه 29) - سپس به کل بحثهایی که در این سوره آمده است - که مجموعاً يك برنامه جامع سعادت را ارائه می‌دهد - اشاره کرده، می‌گوید: «این يك تذکر و یادآوری است، و هر کس بخواهد (با استفاده از آن) راهی به سوی پروردگارش برمی‌گزیند» (ان هذه تذكرة فمن شاء اتخذ الى ربه سبيلا).

وظیفه ما نشان دادن راه است، نه اجبار بر انتخاب، این شما هستید که باید با عقل و درك خود، حق را از باطل تشخیص دهید، و با اراده و اختیار خود تصمیم بگیرید.

این در حقیقت تأکیدی است بر آنچه در آغاز سوره گذشت که فرمود: «ما راه را به او نشان دادیم، خواه پذیرا شود و شکر این نعمت را به جا آورد، یا روی گرداند و کفران کند».

(آیه 30) - و از آنجا که ممکن است افراد کوتاه فکر از تعبیر فوق نوعی تفویض و واگذاری مطلق به بندگان تصور کنند، در این آیه برای نفی این توهم می‌افزاید: «و شما هیچ چیز را نمی‌خواهید مگر این که خدا بخواهد» (و ما تشاؤون الا ان يشاء الله).

«چرا که خداوند دانا و حکیم بوده و هست» (ان الله كان عليما حكيمًا). برگزیده تفسیر نمونه، ج 5، ص:

364

و این در حقیقت اثبات اصل معروف «الامر بين الامرین» است، از يك سو می‌فرماید: «خدا راه را نشان داده و انتخاب با شماست» و از سوی دیگر می‌افزاید:

«انتخاب شما منوط به مشیت الهی است» یعنی شما استقلال کامل ندارید بلکه قدرت و توان و آزادی اراده شما همه به خواست خدا و از ناحیه اوست، و هر زمان اراده کند می‌تواند این قدرت و آزادی را سلب کند.

به این ترتیب نه «تفویض» و واگذاری کامل است و نه «اجبار» و سلب اختیار، بلکه حقیقتی است دقیق و ظریف در میان این دو یا به تعبیر دیگر: نوعی آزادی وابسته به مشیت الهی است، که هر لحظه بخواهد می‌تواند آن را باز پس گیرد، تا هم بندگان بتوانند بار تکلیف و مسؤولیت را که رمز تکامل آنهاست بر دوش گیرند و هم خود را بی‌نیاز از خداوند تصور نکنند.

ذیل آیه که می‌فرماید: (ان الله كان عليما حكيمًا) نیز ممکن است اشاره به همین معنی باشد چرا که علم و حکمت خدا ایجاب می‌کند بندگان را در پیمودن راه تکامل آزاد بگذارد، و گر نه تکامل اجباری و تحمیلی تکامل نیست، به علاوه علم و حکمت او اجازه نمی‌دهد که افرادی را مجبور به کار خیر و افرادی را مجبور به کار شرّ کند، و بعد گروه اول را پاداش دهد، و گروه دوم را مجازات کند.

(آیه 31) - و سر انجام در آخرین آیه این سوره، به سرنوشت نیکوکاران و بدکاران در يك جمله کوتاه و پر معنی اشاره کرده، می‌فرماید: خدا «هر کس را بخواهد (و شایسته بداند) در رحمتش وارد می‌کند، و برای ظالمان عذاب دردناکی آماده ساخته است» (يدخل من يشاء في رحمة و الظالمين اعد لهم عذابا اليما).

جالب این که در آغاز آیه می‌گوید: «هر کس را بخواهد در رحمت خود وارد می‌کند» ولی در پایان آیه، عذاب را روی ظالمان متمرکز می‌سازد، و این نشان می‌دهد که مشیت او بر عذاب به دنبال مشیت انسان بر ظلم و گناه است، و به قرینه مقابله روشن می‌شود که مشیت او در رحمت نیز به دنبال اراده انسان در ایمان و عمل صالح و اجرای عدل است، و جز این از حکیم نمی‌توان انتظار داشت.